



۲۰۱۷/۲۷/۰۹

مصطفی عمر زی

## گذشته معمور کندهار



چهره ی افغانستان بحرانی که در این امتداد، به چهار دهه اخیر رسیده است، نقشی که از کشور ما ارائه می کند، ویرانه ای ست که با ریزش ساخت و ساز پوشالی پروژه های عمرانی جامعه بین المللی، سیمای زیان دیده قبلی آن را دوباره برجسته کرده است؛ اما آن چه در عقب این ریزش رونما می شود، آشنایی ای است که سهم مدنی و فکری مردم ما در حاکمیت های پیش از بحران بود.

در هیاهوی رسانه بی ده سال اخیر، برای کسانی که نمی دانند - جمع توده های عام، چنان تلقین کردند که اگر فرشته گان بازسازی و عمران (جامعه جهانی) نبودند، پیشینه و دیرینه ی مردم ما برای شان مدنی، فرهنگی و تاریخی با تاراجی که بر هستی و خانمان آنان رفت، کشوری را معرفی می کند که در این نوبت، نه مدعای باستان گرایان به اصطلاح ۵۰۰۰ ساله است و نه کورخوانی کسانی که بیش از ۱۰۰ سال تاریخ را دوست ندارند؛ یعنی تحفه ی جدید جغرافیایی که کاشفان و معماران اش، دنیای خارجی در افغانستان می باشد. بی جهت نیست که با گذاشتن هر خشت و خاشاکی، لوحه ای در کنار آن نصب می کنند که با مهر یک موسسه یا ان.جی.او،

به اهتمام ملالی نظام

این تعویذ و طوق تاریخی بر گردان ما تاریخی شود؛ اما این عمرانات جدید با ماهیت پروژه بی و یک بار مصرف، صورت دیگری از تواریخ جعلی را بر ما تحمیل نخواهند کرد. با این که ماشین جنگی تمام دنیا را در یک جنگ فرسایشی دیگر، تجربه می‌کنیم، میراث‌های تاریخی، فرهنگی و مدنی ما، آن قدر دوام آورده‌اند که حتی از حفره‌های غربال شده‌ها نیز می‌توان پی برد: آن ساخته‌های محکم، کار خود ماست. این هم نمونه‌های دیگر از دارایی‌های تاریخی ما که کندهار حماسه‌آفرین را معرفی می‌کند؛ شهری که نه فقط هسته جدید برای احیای دوباره بود، بل سهم بسیار ارزنده و خوب از یادگارهای مدنی و فرهنگی معاصر دارد.











